



امکان انتقال آب از شمال

مهدی پیرهادی، رئیس کمیسیون سلامت شورای شهر تهران با تأکید بر اینکه امکان و ظرفیت خوبی برای انتقال آب از شمال کشور وجود دارد، گفت: «آبی که از برخی رودخانه‌ها به دریای خزر می‌ریزد، کیفیت بسیار خوبی دارد که حجم آن در سال به حدود ۱۰ میلیارد مترمکعب می‌رسد. اگر بخشی از این آب که مطالعات آن هم توسط متخصصان صورت گرفته، به بعضی از سدهایی که امکان انتقال آب آن به تهران وجود دارد منتقل شود، به مراتب بسیار راحت‌تر، بهتر و مقرون به صرفه‌تر از این است که نسبت به شیرین‌سازی آب دریا اقدام شود.» به گزارش خبرنگاران، عضو شورای شهر تهران ادامه داد: «همانطور که پیش از این هم گفتیم، اقداماتی همچون انتقال آب از سد طالقان به تهران یا انتقال نشی سد لار می‌تواند بخشی از کم‌آبی‌ها را جبران کند. استفاده از وسایل کاهنده، یکی از اقداماتی است که در دیگر کشورها برای مدیریت مصرف آب مورد توجه قرار گرفته است.»



نزوم کاهش مهاجرت پرستاران

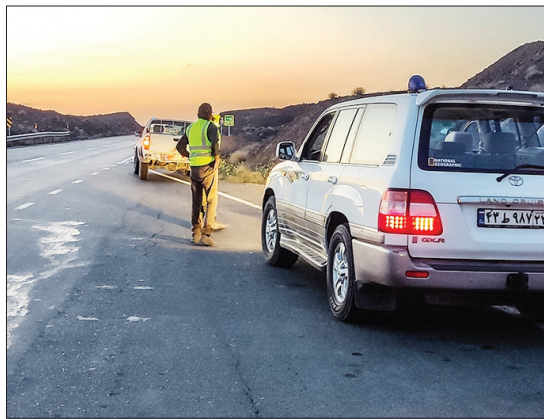
محمد بیگی، نماینده مردم قزوین در مجلس با بیان اینکه میزان منابع انسانی خدمت حوزه بهداشت و سلامت کشور با مهاجرت روند کاهشی را طی می‌کنند، گفت: «سایر کشورها با طرح‌های ۱۰ تا ۳۰ ساله، جذب نیروهای نخبه و ماهر سلامت ایران را برنامه‌ریزی کردند و این روند متأسفانه در حال اجراست.» محمد بیگی با اشاره به اقدامی که دولت چهاردهم برای جلوگیری از مهاجرت نیروهای بهداشت و سلامت کشور انجام داده است، گفت: «مجلس و دولت با همکاری مشترک نسبت به افزایش حقوق و اضافه‌کار پرستاران اقدام کردند و برای نخستین بار شغل دستیاری پزشکی مشمول قانون تأمین اجتماعی و بیمه قرار گرفت که جای تقدیر دارد و این شرایط می‌تواند مهاجرت جامعه پرستاری کشور را کاهش دهد.» او با بیان اینکه نحوه خدمات‌دهی بیمارستان‌های دولتی باید ارتقاء داده شود، گفت: «همچنین قیمت دارو و درمان افزایش یافته که این موضوع سبب افزایش هزینه‌کرد بیشتر مردم می‌شود و ضروری است امسال این موضوع حل شود.»



صیانت از مددجویان بهبودیافته

محمد نقیب، مدیرعامل سازمان خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران گفت: «صیانت از بهبودیافتگان مراکز تحت پوشش سازمان، از اولویت‌های ما در شهرداری تهران است و با احداث راه‌اندازی مراکز جامعه‌پذیری قصد داریم از مددجویان بهبودیافته و خانواده‌های آنها صیانت کنیم.» به گزارش ایسنا، نقیب گفت: «ایجاد اشتغال درآمدزا، سپس اتصال به خانواده، همچنین حمایت از این عزیزان جزء مهم‌ترین برنامه‌های سال ۱۴۰۴ سازمان خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران است و طبق برنامه‌ریزی‌های به عمل آمده، خانواده‌های مددجویان از لحاظ معیشتی، پزشکی و... مورد حمایت قرار گرفته‌اند. در سال ۱۴۰۴ چندین مرکز جامعه‌پذیری و صیانت از بهبودیافتگان در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران راه‌اندازی خواهد شد. بهبودیافتگان مراکز یاورشهر، رها نخواهند شد و در مراکز جامعه‌پذیری شرایطی فراهم کرده‌ایم تا بتوانند خیلی زود به آغوش خانواده و جامعه بازگردند.»

حیات وحش



عکس‌ها: منصوره محمدی



گزارش میدانی از پایش موفق جاده میامی در نوروز که زیستگاه آخرین یوزهای ایرانی است

همیچ یوز پلنگی نمرد

امسال زنان خلاف پارسال که اجازه حضور در پایش را نداشتند، در آن نقش کلیدی داشتند

آقای مهدوی مسن‌ترین فرد گروه، ۶۵ سال سن دارد، فعال صنعتی است، از تهران آمده و تمام تعطیلات نوروز را در این پایش حضور داشته است. شیوا در زمینه تولید محتوا کار می‌کند و عاشق طبیعت است و از تهران خودش را به منطقه رسانده است. آقای محبی که همسرش پابه‌ماست هم چندروز در منطقه بوده است.

زنان توانستند

زنان امسال نقش کلیدی در این پایش دارند؛ برخلاف سال گذشته که اجازه حضور آنها در پایش داده نشد، اما امسال آنها هم توانستند حضور خوب و گسترده‌ای داشته باشند. آن‌ها ۴۶ ساله و اهل تهران است و از هفت فروردین تا ۱۵ فروردین ماه به صورت دوشیفت در گشت‌های جاده‌ای حضور داشته است. او طبیعت‌گرد است و گیاه‌خوار. آن‌ها می‌گویند، پیشنهادهای زیادی برای حضور در سفرهای نوروزی داشته است، چراکه زمانی تورلیدر بوده، مشتاقی هم بوده که به سفر برود اما زمانی که فهمید اینجا به کمک نیاز است، با تمام وجود خواست که اینجا باشد. او عاشق انجام فعالیت‌های داوطلبانه است و در گذشته چنین تجربه‌هایی را داشته است، اما اینکه در این پایش، ساعت‌ها در جاده در حرکت باشد و حواسش به این باشد که حیوانی وارد جاده نشود خیلی متفاوت و جذاب است.

طاهره هم از تهران به فراخوان پاسخ مثبت داده و از ۹ تا ۱۵ فروردین ماه حضور داشته است: «با خودم می‌گفتم تو که کاری بلد نیستی انجام دهی، اما در نهایت تصمیم گرفتم که حاضر شوم و فکر می‌کنم هر کسی در حد توان خود می‌تواند مثرتر باشد.» او می‌گوید در این پایش‌ها متوجه شده است که نظر محلی‌ها خیلی به این طرح جلب شده است: «مثلاً وقتی به یک سوپرمارکت رفتیم، از ما می‌پرسیدند که شما در پروژه یوز هستی؟ از ما اطلاعات می‌گرفتند و حمایت و تشکر می‌کردند به خاطر کاری که انجام می‌دادیم. مسافرهایی که در جاده گذر می‌کردند هم وقتی در جریان کار ما قرار

پسرخاله‌اش قصه پایش را برایش تعریف کرده، مشتاق شده که به اینجا بیاید. آنها یک چراغ‌قوه دارند که وقتی هوا تاریک شد، باید به سمت جاده بگیرند. قرارمان این است اگر چشمان قرمز رنگی دیدیم اطلاع دهیم، ماشین را متوقف کنیم و آقا احد به سمت چشم‌های قرمز برود و ما به دیگر محیطبان‌ها مختصات جایی که چشم‌ها را دیده ایم، بدهیم.

«سارینا» با سرعت ۴۰ تا ۵۰ کیلومتر کناره جاده حرکت می‌کند و چشم همه متمرکز جاده است. آنقدر سرعت ماشین کم است که یک مسیر ۸۰ کیلومتری، دوساعت طول می‌کشد تا به انتها برسد و بعد نوبت دور برگشت است. ساعت حدود ۱۱ شده و پاسگاه نزدیک است؛ یک نفر شب آخر حضورش در پاسگاه بوده و منتظر اتوبوسی است که قرار است در پلیس‌راه سبزوار سوارش کند. سفره شام پهن شده است و یکی یکی به سفره اضافه می‌شوند، لحظات اولی است که همه اعضای تیم پایش یک‌جا جمع شده‌اند؛ مشارکت در جریان است، خانم چکامی فرچای می‌آورد و آقا رضا شام را، کسی منتظر نیست که چیزی به دستش برسانند، بی‌چشمداشت به همدیگر کمک می‌کنند، همانگونه که در جاده میامی به یوزها کمک می‌رسانند.

بودن» با تمام وجود

این دومین بار است که پایش نوروزی جاده میامی اجرا می‌شود؛ طرحی که از ۲۷ اسفندماه سالی که گذشت آغاز شد و باتوجه به کمبود شدید محیطبان برای حفاظت از زیستگاه آخرین یوزهای ایرانی، اداره محیطزیست سمنان برای جذب داوطلب و پایش‌گریدور یوزپلنگ آسیایی در محدوده میامی تا کاهک فراخوان عمومی منتشر کرد. فراخوانی که افراد از گروه‌های سنی و حرفه‌های متفاوت را به پاسگاه عباس‌آباد کشاند. ملیسا دختر هفت‌ساله با پدر و مادرش از کرج به این فراخوان پیوست و مانده دختر نوجوان ۱۷ ساله با خاله‌اش که معلم است از شیروان به عباس‌آباد آمدند.

محیطبان‌هایی گویند برای پایش منطقه‌ای به این وسعت محیطبان‌به‌اندازه کافی وجود ندارد.

از سوی دیگر براساس اطلاعاتی که از یک منبع آگاه به دست آمد، حتی زمانی که یک اسپانسر خواست ۱۰ میلیارد برای حفاظت از یوز در توران هزینه کند، اجازه این کار داده نشد. از این رقم تنها دوونیم میلیارد در سال ۱۴۰۱ صرف خرید دو ماشین فوتون شد و بقیه مبلغ اهدایی به این بهانه که هزینه‌های دیگری نیز وجود دارد، به توران اختصاص پیدا نکرد

منصوره محمدی

روزنامه‌نگار

یک سررسید قدیمی و خودکار آبی در دستان محیطبان گری است. او و محیطبان یوسفی در حال چینش اسامی داوطلبانی‌اند که برای پایش جاده مرگ یوزها خود را به پاسگاه محیطبانی عباس‌آباد رسانده‌اند؛ جاده‌ای که جان ۱۳ یوز را در سال‌های گذشته گرفته است و نقش مهمی در بقای ۱۷ یوز باقی مانده در منطقه دارد. تازه از راه رسیده‌ها باید در کنار بانچه‌ها باشند، قدیمی‌ها به تازه‌رسیده‌ها کمک می‌کنند و از الزامات حضور در جاده می‌گویند. آقای صحراگرد هم دیگر محیطبان منطقه است که بین داوطلبان به چشم‌عقابی معروف شده است؛ متخصص در شناسایی گونه‌ها در زیستگاه که مسیرها را به خوبی می‌شناسد.

انتهای روز نزدیک است که به پاسگاه می‌رسیم؛ در ساعتی که رنگ سرخ آتشین آفتاب در امتداد پاسگاه محیطبانی عباس‌آباد به انتها نزدیک شده و چشم‌های نگران از حضور یک یوز در جاده تیزتر شده‌اند، چند ماشین در محوطه داخلی پاسگاه به صف شده‌اند و شب‌رنگی به تن دارند و کنار ماشین‌ها ایستاده‌اند. آقای گری می‌گوید هرکس خسته است، می‌تواند در پاسگاه بماند و استراحت کند و بعد جلیقه‌اش را از تن در می‌آورد و به من می‌دهد تا سمت یکی از ماشین‌ها بروم. «آقا احد» و ماشین‌اش منتظرند؛ او برای بار دوم در تعطیلات نوروز به عباس‌آباد آمده و به جزئیات پایش مسلط است؛ کار صنعتی انجام می‌دهد و سال‌هاست که کوهنورد است. احد تنها چند روز قبل از سال نو، یک ماشین ساینه خریده و اسمش را سارینا گذاشته است، بوی نویسی می‌دهد. آقا احد با دختر خاله‌اش مژگان به میامی آمده؛ مژگان «ناخن‌کار» است و می‌گوید وقتی